گسترش فرهنگ وحدت اسلامي درميان مسلمانان از منظر قرآن ،حديث وقانون اساسي جمهوري اسلامي ايران

گسترش فرهنگ وحدت اسلامي درميان مسلمانان از منظر قرآن ،حديث وقانون اساسي جمهوري اسلامي ايران

د. محمّدجواد ابوالقاسمي

چكيده:

يكي از دغدغه هاي بزرگ مصلحان جهان اسلام موضوع وحدت امّت اسلامي مي‌باشد، به همين دليل صاحب نظران تلاش كرده‌اند تا ابعاد اين موضوع مهم را مورد بررسي قرار دهند و براي افزايش وحدت و كاهش اختلاف در بين امّت اسلامي راه‌حل‌هايي ارايه دهند؛ به همين دليل مقاله حاضر با استفاده از آيات قرآن مجيد و أحاديث وارد شده از سوي معصومين(ع)؛ موضوع را مورد مطالعه قرار داده است و بر 5 عنصر اساسي كه جنبه فرهنگي دارد تأكيد نموده است كه آن عناصر عبارت است از:

1. اهميت وجود رهبري الهي، شايسته و مقتدر در بين هر قوم، مذهب و مملكت براي اينكه بتواند با اقتدار خود زمينه‌هاي اختلاف را از بين ببرد و زمينه وحدت و همدلي را بين امّت پديد آورد.

2 . به رسميت شناخته شدن جايگاه و مرجعيت علمي و معنوي اهل البيت(ع) به عنوان حافظان آئين و شريعت رسول گرامي اسلام(ص).

3. آگاهي بخشي و توجه دادن امت اسلامي به آثار شوم اختلاف و تفرقه و بركاتي كه مي‌تواند وحدت و الفت بين مسلمانان داشته باشد.

4. فرهنگ سازي و تشويق امّت اسلامي براي اهتمام به اخوّت و برادري اسلامي.

5. افزايش بعد عاطفي و انساني ميان امت اسلامي و تشويق و تشجيع آنها به نيكوكاري و رسيدگي به امور مسلمانان و حتي غير مسلمانان.

پس از بيان اصول فوق؛ قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران به عنوان يك نمونه عملي مورد بررسي قرار گرفته است و اصول و موادي كه براي تحقق تقويت وحدت در بين امّت اسلامي به ويژه در ميان گروه‌هاي سياسي؛ ديني و مذهبي پيش‌بينب شده است مرور گرديده است.

بديهي است كاربست اصول ذكر شده و استفاده از تجربه مدون و قانوني جمهوري اسلامي ايران آنگونه كه در قانون اساسي آمده است مي تواند مورد استفاده ديگر ملل قرار گيرد.

مقدمه

همبستگي و پيوند امت‌ها موضوعي است كه همه اديان، مذاهب، فلاسفه و مُصلحان جوامع مختلف به آن پرداختهاند و نسبت به عواقب شوم تفرقه هشدار دادهاند و تا كنون هزاران مقاله و صدها كنفراس براي تبيين ابعاد آن ارايه شده ولي احساس مي شود هنوز راه طي نشده بسيار است و ضررت دارد تا ابعاد مختلف كاويده شود و پيشنهادات راهبردي وكاربردي ارايه گردد؛ به همين دليل سعي شد با استفاده از قرآن مجيد وكلام معصومين(ع) نسبت به عناصري كه بيشتر جنبه فرهنگي دارد ومي تواند براي افزايش وحدت و همدلي در بين امّت اسلامي كمك كند تأكيد شود.

لذا در اين مقاله، با مرور بر برخي از آيات قرآن و أحاديث معصومين(ع) و بررسي اجمالي قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران به عنوان يك تجربه مدون در بين ملل مسلمان؛ جايگاه وحدت امت اسلامي و عناصر فرهنگي تقويت كننده آن مورد مطالعه قرار گرفته و نتايج آن ارايه شده است.

جايگاه و عناصر فرهنگي وحدت امّت اسلامي از منظر قرآن كريم و احاديث معصومين(ع)

مقوله فرهنگ داراي گستره فراواني است و شامل أبعاد مختلف فردي و اجتماعي مي‌شود و از لايه‌هاي متنوعي برخوردار مي‌باشد كه در اين نوشتار مجالي براي براي ورود به همه عرصه‌هاي آن نيست، لذا مسايل و ابعاد متنوع فرهنگ براي مخاطبان اين مقاله مفروض گرفته شده است و تنها به موارد و مصاديق تاثيرگذار بر وحدت امت مسلمان تأكيد شده است.

قرآن كريم، وحدت را موجب و عامل عزّت، استقلال و استحكام امّت‌ها ميداند و در سوره انفال آيه 46 مي‌فرمايد: «وَ أَطيعُوا اللّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لا تَنازَعُوا فتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ ريحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللّهَ مَعَ الصّابِرينَ / و از خدا و پيامبرش اطاعت كنيد و با هم نزاع مكنيد كه سُست شويد و مهابت شما از بين برود، و صبر كنيد كه خدا با شكيبايان است». نكته ديگر آن است كه در منطق قرآني كساني كه در مسير وحدت نباشند، خارج از امّت اسلام به حساب آمده و از آنان بايد بيزاري جُست. به عنوان مثال در سوره انعام آيه 159 ميفرمايد: «إِنَّ الَّذينَ فَرَّقُوا دينَهُمْ وَ كانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ في شَيْءٍ إِنّما أَمْرُهُمْ إِلَي اللّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِما كانُوا يَفْعَلُونَ / كسانی كه دين خود را پراكنده ساختند و فرقه فرقه شدند، تو هيچگونه مسئول ايشان نيستی، كارشان فقط با خداست. آنگاه به آنچه انجام مي‌دادند آگاهشان خواهد كرد». آنچه از آيه فوق استفاده ميشود، اين است كه نقض وحدت، به معناي خروج از آيين و طريق اسلام است.[1] از منظر قرآن كريم وحدت عامل عزّت و استقلال است و شرط دستيابي به وحدت امّت اسلامي اطاعت از خدا و پيامبر(ص) و صبر و شكيبايي است، تا زماني كه مردم به تفرقه و پراكندگي مبتلا نشدهاند و مسير وحدت را ميپيمايند اتحاد و انسجام جامعه برقرار خواهد بود.

همچنين با مراجعه به روايات و احاديث معصومين(ع) در مي‌يابيم كه مهمّ‌ترين موضوع از منظر ايشان وحدت، يكدلي و برادري است. در عصري كه دشمنان اسلام سعي بر ايجاد نفاق و تفرقه در جامعه و بين امت اسلامي را دارند، توجه به بيانات گُهربار و روحنواز معصومين(ع) يقيناً گرهگشا خواهد بود كه به نمونه‌هايي اشاره مي‌شود:

1. در فرهنگ اسلامي وجود رهبري ا لهي و شايسته ومقتدر وتبعيت از ايشان به عنوان يكي از عناصر مهم در وحدت امت اسلامي مورد تاكيد قرار گرفته شده است.

قال رسول اللهص: إسمَعُوا وَ أطيعُوا لِمَن وَلاهُ اللهُ الأمرَ، فَإنَّهُ نِظامِ الاسلام .[2]

پيامبر اعظم(ص) فرمودند: از كسي كه خداوند به او «ولايت امر» داده است، حرف شِنوي و اطاعت داشته

باشيد؛ چرا كه اين اطاعت نظامبخش اسلام است.

و در اهميت رهبري الهي و شايسته به عنوان محور وحدت؛امام علي(ع) مي‌فرمايند: وَ مَكانُ القَيِّمِ بالأمرِ مَكَانُ النّظامّ مِنَ الخَرزِ يَجمَعُهُ وَ يَضُمّهُ فَإذا إنقَطَعَ النّظامُ تَفَرّقَ الخَرزِ وَ ذَهَبَ ثُمّ لَم يَجتَمِع بِحَذا فيرهِ أبداً.[3]

امام علي(ع) فرمودند: جايگاه رهبر و سرپرست در اجتماع، جايگاه رشتهاي است كه دانهها را به هم پيوند داده و جمع ميكند و آنگاه كه رشته پاره شود، دانهها پراكنده شده و هرگز تمام آن‌ها جمع نخواهند شد.

با توجه به آنچه بيان شد مي‌توانيم نتيجه‌گيري كنيم كه وجود رهبران شايسته، الهي و مقتدر به شرط اينكه مردم از آنها پيروي كنند مي‌توانند آتش تفرقه و اختلاف را در درون جوامع فرو نشانند و مانند پدري مهربان محبت و عشق به يكديگر را در بين خانواده بزرگ مسلمانان افزايش دهند.

2. به رسميت شناختن شأن و جايگاهي كه پيامبر اكرم(ص) براي ذوي القربي و اهل بيت(ع) ترسيم نموده و در حديث مشهور«الثقلين» آنها را به عنوان عدل قرآن براي حفظ و بقاي اسلام معرفي نموده است مي‌تواند قلب‌هاي امت مسلمان را به هم نزديك‌تر كند و به بركت اهل بيت(ع) عنصر وحدت تقويت گردد.

قال رسول الله(ص): فَأنتُم (أهلُ البَيتِ) أهلُ اللهِ عَزّوَجَلّ ألذين بِهِم تَمّتِ النّعمَةُ واجتَمَعَتِ الفُرقَةُ و ائتَلَفَتِ الكَلَمَةُ.[4]

پيامبر اعظم(ص) فرمودند: شما اهل بيت، اهل الله هستيد كه به بركت شما، نعمت كامل گشته و پراكندگي برطرف شده و اتحاد كلمه پديد آمده است. در همين راستا دختر گرامي پيامبر گرامي اسلام(ص) مي‌فرمايد:

«طاعتنا نظاما للملة و امامتنا لما للفرقة و الجهاد عز الاسلام».[5]

حضرت فاطمه زهرا (س) فرمودند: پيروي از ما اهل بيت، نظامبخش به امّت و رهبري ما عامل وحدت و جهاد مايه عزّت و سربلندي اسلام است.

3. آگاهي بخشي وتوجه دادن امّت اسلامي به آثار شوم اختلاف و تفرقه و بركاتي كه مي‌تواند وحدت و الفت بين مسلمانان داشته باشد «قال النبي(ص): الجَمَاعَةُ رَحمَةُ و الفُرقَةُ عَذَابٌ».[6]

پيامبر(ص) فرمودند: جماعت و وحدت، مايه رحمت الهي و تفرقه، موجب عذاب الهي است. و در مورد ديگر نسبت به آثار اختلاف هشدار مي‌دهند و مي‌فرمايند:

«قال النبي(ص): مَا اختَلَفَ اُمّةٌ بَعدَ نَبيّهِا الاّ ظَهَرَ أهلُ باطِلِهَا عَلي أهلِ حَقّهَا».[7]

-پيامبر اكرم(ص) فرمودند: هيچ امّتي پس از پيامبرشان اختلاف نكردند؛ مگر آنكه گروه باطل بر حقّ گرايان چيره و مسلّط شدند. و در همين راستا امام جعفر صادق(ع) جامعه اختلاف زده را ترسيم مي‌كنند و مي‌فرمايند:

«قال الصادق(ع): مَن فَارَقَ جَمَاعَةَ المُسلمينَ و نَكَثَ صَفقَةَ الإمامِ جَاءَ الي ا اجذَمَ».[8]

امام صادق(ع) فرمودند: هر كس از جماعت مسلمين جدا شود و عهد و پيمان خود را با رهبر بشكند، دست بريده محشور خواهد شد. پيامبر اكرم(ص) هلاكت امت ها را در گرو اختلاف و تفرقه مي‌دانند و مي‌فرمايند:

«قال النبي(ص): لا تَختَلِفُوا، فَإنّ مَن كَانَ قَبلَكُم، إختَلَفُوا فَهَلَكوا».[9]

پيامبر اعظم(ص) فرمودند: اختلاف نكنيد؛ آنان كه قبل از شما بودند، اختلاف كردند و هلاك شدند. امام علي(ع) نيز نتيجه اختلاف را در اين مي‌بينند كه باعث مي‌شود امكان هرگونه تصميم‌گيري صحيح در مسائل فردي و جمعي از بين برود و شرائط ناخواسته برجامعه تحميل شود. «قال علي(ع): ألخِلافُ يَهدِمُ الرّأيَ».[10]

-امام علي(ع) فرمودند: اختلاف، «بنياد و انديشه درست» را در هم ميريزد. همچنين امام علي(ع) مي فرمايد:

«إيّاكم و الفرقه فَإنّ َ الشّاذ مِنَ النّاس لَشَيطَان كما إنّ َ الشّاذَ مِنَ الغَنَمِ».[11]

«از تفرقه و اختلاف بپرهيزيد؛ چرا كه هر كس از دايره اتحاد و انسجام خارج شود، طعمه شيطان است».

امام علي(ع) نه تنها در زمان حكومت، بلكه در همه حال به وحدت پايبند بودند، به عنوان مثال آن زمان كه علي(ع) در مصدر حكومت قرار نگرفتند، بعضي حضرت را به شورش عليه حكومت فرا خواندند، امّا امام(ع) فرمودند:

«با اينكه من انتقاد جدّي نسبت به حكومت دارم، امّا بدانيد در بين امّت پيامبر(ص) هيچ كس بيشتر از من به وحدت و اُلفت اين امّت دل نبسته است».[12]

آن حضرت همچنين فرمودند: «به خدا سوگند، آن‌ها كه دست از ياري يكديگر بردارند، قطعاً شكست خواهند خورد».[13]

حضرت ريشه اختلاف را جهل مي دانند و مي‌فرمايند: «قال علي(ع): لَو سَكَتَ الجَاهِلُ ما اختَلَفَ النّاسُ».[14]

امام علي(ع) فرمودند: «اگر جاهل سكوت ميكرد، مردم اختلاف نميكردند (سبب بسياري از اختلافات، سخنها و رفتارهاي ناآگاهانه است)».

ايشان در فرازي از خطبه192 نهجالبلاغه كه به خطبه قاصعه معروف است به گذشته تاريخي اشاره مي‌كنند و مي‌فرمايند:

-«از حوادث و عذابهاي وارد بر ملّتهاي گذشته، بر اثر افعال ناشايست و كارهاي بدي كه انجام مي دادند، پرهيز كنيد و احوال خوب و بد آنان را به خاطر بياوريد و مواظب باشيد كه مانند آنان نشويد. وقتي در اختلاف حال آن‌ها دقّت كرديد و نتيجه گرفتيد، هر كاري را كه به ملّتهاي گذشته عزّت داده، دشمن را از آنان دور كرده، آسايش را به آناني ارزاني داشته، نعمت را تسليم آنان ساخته، احترام را به وحدت و جمعيّت كشانيده است؛ بايد تقويت كنيد و آن را انجام دهيد. اين كارها پرهيز از اختلاف، حفظ روابط دوستي و كوشيدن در راه ايجاد آن و سفارش به حفظ دوستي است. از هر كاري كه كَمر گذشتگان را شكست و نيروي آنان را ضعيف ساخت، كه عبارت است از كينه دلها، خشم سينهها، بياعتنايي به يكديگر

و به كمك هم نشتافتن، پرهيز كنيد».

4. فرهنگ سازي وتشويق امّت اسلامي براي اهتمام به اخوت و برادري اسلامي. چون پيامبر اكرم(ص) مي‌فرمايند: «قال رسول اللهﷺ: المُسلِمُونَ إخوَةٌ لافَضلَ لإحَدٍ الاّ بالتّقوي».[15]

پيامبر اعظم(ص) فرمودند: مسلمانان با هم برادرند و هيچكس بر ديگري برتري ندارد؛ مگر از حيث تقوا.

ودر بياني ديگر مي فرمايند: «قال النبيﷺ: خَيرُ المُؤمِنينَ مَن كَانَ مَالَفَةً لِلمُؤمنينَ وَ لا خَيرَ فيمن لا يَألَفُ وَ لا يُؤلَفُ».[16]

پيامبر گرامي(ص) فرمودند: بهترين مؤمنان كسي است كه محور اُلفت و وحدت مؤمنان باشد. كسي كه اُنس نگيرد و با ديگران مأنوس نشود، خيري ندارد.

پيامبر گرامي اسلام(ص) رسيدن به ولايت الهي را در گرو حبّ في اﷲ وبغض في اﷲ دانسته‌اند و تصريح نموده‌اند كه از راه نماز و روزه و امثال اينها نمي‌توان مزه ايمان را چشيد: «قال النبيﷺ: أحبِب في اﷲِ و أبغِض في اﷲِ وَ والِ في اﷲِ وَ عادِ في اﷲ فَأنّهُ لَن تَنَالَ ولاية اﷲِ الا بذلك و لا يَجِدُ رَجُلٌ طَعمُ الايمانِ وَ إن كَثُرَت صَلاتُهُ وَ صِيامُهُ حتّي يكونَ كذلك».[17]

پيامبر اعظم(ص) روزي به يكي از اصحاب خويش فرمودند: در راه خدا دوست بدار و براي خدا دشمن بدار؛ براي خدا موالات و دوستي كُن و براي خدا دشمني كُن؛ يقيناً جز با اين، به ولايت خدا نخواهي رسيد و هرگز كسي طعم ايمان را نمييابد، هر چند نماز و روزهاش فراوان باشد؛ مگر آنكه چنين باشد.

پيامبر عظيم‌الشأن اسلام هنگامي كه مي خواهند منشور برادري را اعلان كنند، مي‌فرمايند: «قال رسول اللهﷺ: أيّها الناس إنّ رَبّكُم واحِدٌ وَ إنّ أبَاكُم واحِدٌ كُلّكُم لآدَمَ و آدَمُ مِن تُراب «إنّ أكرمكم عندﷲ أتقيكم» و لَيسَ لِعَربيٍّ علي عَجَميٍّ فَضلٌ الاّ بالتقوي».[18]

رسول خدا (ص) در خطبه حجةالوداع فرمودند: اي مردم، پروردگارتان يكي است، پدرتان هم يكي است. همه شما از آدميد و آدم از خاك است. «گراميترين شما نزد خداوند، با تقواترين شماست». عرب را بر عجم هيچ برتري نيست؛ مگر به تقوا. وفرزند گراميشان نيز تاكيد مي‌كنند كه: «قال الباقر(ع): يا مَعشَرَ المُؤمِنينَ تَألّفُوا و تَعَاطَفُوا».[19] امام باقر(ع) فرمودند: «هان اي گروه مؤمنان، مأنوس و

متّحد باشيد و به همديگر مهرباني كنيد».

5. افزايش بعد عاطفي و انساني ميان امت اسلامي و تشويق و تشجيع آنها به نيكو كاري و رسيدگي به امور مسلمانان و حتي غير مسلمانان. اين اقدام نگاه‌ها را توسعه مي‌بخشد و امت اسلامي را از چارچوبه‌هاي خودبيني و خويشتن‌بيني خارج مي‌سازد و نگاه‌ها را به افق‌هاي بلندتر معطوف مي‌سازد و همين امر باعث مي‌گردد كه از زمينه‌هاي اختلاف كاسته شود و جامعه نسبت به همديگر احساس مسؤليت بيشتري بنمايند. «قال رسول اللهﷺ: مَن أصبَحَ ولاَ يَهتَمّ َ بِاُمور المسلمينَ فَلَيسَ مِنهُم مَن سَمِعَ رَجُلاً يُنَادي يا لَلمُسلِمينَ فَلَم يَجِبهُ فَلَيسَ بِمُسلمٍ».[20]

پيامبر اعظمﷺ فرمودند: «هر كس صبح كند، در حالي كه به كارهاي مسلمانان اهميّتي نميدهد و به فكر مسلمين نيست، او از آنان نيست. و هر كس بشنود كه كسي مسلماني را به كمك فرا ميخواند، ولي پاسخش را نميدهد، مسلمان نيست».

امام باقر(ع) امت اسلامي را پيكر واحد مي‌دانند و مي‌فرمايند: «قال الباقر(ع): المُؤمنونَ في تَبارّ ِهِم وَ تَراحُمِهِم وَ تَعاطُفِهِم كَمَثَلِ الجَسَدِ إذا اشتَكي تَداعي لَهُ سائِرهُ بالسّ َهَرِ و الحَمّي».[21]

امام باقر(ع) فرمودند: مؤمنان در نيكي و شفقت و مهرباني به يكديگر مانند يك پيكرند، كه اگر به عضوي از آن آسيبي برسد، تمام اعضا در تب و بيخوابي گرفتار آيند.

امام سجاد(ع) نيز امت اسلامي را يك خانواده بزرگ تلقي مي‌كند و مي‌فرمايد: «قال الامام السجاد(ع): يا زُهَري، أما عَلَيكَ أن تَجعَلَ المُسلِمينَ مِنكَ بِمَنزِلَةِ أهلِ بَيتِكَ، فَتَجعَلَ كَبيرَهُم بِمَنزِلَةِ والِدِكَ، وَ تَجعَل صَغيرَهُم بِمَنزِلَةِ وَلَدِكَ وَ تَجعَلَ تَربَكَ مِنهُم بمنزلة أخيك.»

امام سجاد(ع) به زهري فرمودند: «اي زهري، چه ميشود كه مسلمانان را مانند اهل خانه خود داني؛ بزرگ آنان را به منزله پدر خود و كوچكشان را به منزله فرزند خود و ديگران را به منزله برادر خود بداني».[22]

با عنايت به آنچه در فرهنگ اسلامي و در كلام پيامبر اكرمﷺ و ائمه معصومين(ع) آمده حفظ اتحاد،

برادري و همبستگي در بين امت اسلامي اهميّت و جايگاه والايي دارد، در پناه وحدت امكان رشد، ترقّي و شكوفايي همه ملّتها فراهم ميشود.

اينك نمونه‌اي از ضمانت‌هاي قانوني كه براي تحقق وحدت امت اسلامي در جمهوري اسلامي به مرحله اجرا در آمده و همه دستگاه‌ها موظف به اجراي آن مي‌باشند ارايه مي گردد.

وحدت امت اسلامي در قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران

در قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران كه برگرفته از مباني ديني است، وحدت امّت اسلامي به عنوان يك اصل اساسي و زيربنايي مورد توجّه قرار گرفته و بر پيشگيري از اختلاف و تفرقه ميان مذاهب تأكيد شده است.

اصل نهم قانون اساسي: «در جمهوري اسلامي ايران آزادي و استقلال و وحدت و تماميت ارضي كشور از يكديگر تفكيك ناپذيرند و حفظ آن‌ها وظيفه دولت و آحاد ملّت است. هيچ فرد يا گروه يا مقامي حقّ ندارد به نام استفاده از آزادي، به استقلال سياسي، فرهنگي، اقتصادي، نظامي و تماميت ارضي ايران كمترين خدشهاي وارد كند و هيچ مقامي حقّ ندارد به نام حفظ استقلال و تماميت ارضي كشور، آزاديهاي مشروع را، هر چند با وضع قوانين و مقررات، سلب كند».[23]

بر اساس اصل بيست و ششم قانون اساسي: «احزاب، جمعيّتها، انجمنهاي سياسي و صنفي و انجمنهاي اسلامي يا اقليتهاي ديني شناخته شده آزادند، مشروط به اينكه اصول استقلال، آزادي، وحدت ملّي، موازين اسلامي و اساس جمهوري اسلامي را نقض نكنند. هيچكس را نميتوان از شركت در آن‌ها منع كرد يا به شركت در يكي از آن‌ها مجبور ساخت».[24]

با توجّه به اينكه اقوام، زبانها، نژادها، اديان و مذاهب مختلف در يك كشور ميتوانند منشأ بروز تشتّت و پراكندگي در آن گردد، قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران موازيني را به شرح ذيل براي تحقّق وحدت ملّي و جلوگيري از تجزيهطلبي تدارك ديده است.

بر اساس اصل نوزدهم قانون اساسي: «مردم ايران از هر قوم و قبيله كه باشند، از حقوق مساوي برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اين‌ها سبب امتياز نخواهد بود».[25]

بنابراين در برخورداري از حقوق اجتماعي نظير انتخابات، آحاد مردم از تساوي برخوردارند و نژاد و قوميت و زبان تأثيري در آن ندارد.

بر اساس اصل بيستم قانون اساسي: «همه افراد ملّت اعم از زن و مردم يكسان در حمايت قانون قرار دارند و از همه حقوق انساني، سياسي، اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي با رعايت موازين اسلام برخوردارند».[26]

بر اساس اصل دوازدهم قانون اساسي: «دين رسمي ايران، اسلام و مذهب جعفري اثني عشري است الي‌الابد غيرقابل تغيير است و مذاهب ديگر اسلامي اعم از حنفي، شافعي، مالكي، حنبلي و زيدي داراي احترام كامل ميباشند و پيروان اين مذاهب در انجام مراسم مذهبي، طبق فقه خودشان آزادند و در تعليم و تربيت ديني و احوال شخصيه (ازدواج، طلاق، ارث و وصيّت) و دعاوي مربوط به آن در دادگاه رسميت دارند و در هر منطقه‌اي كه پيروان هر يك از اين مذاهب اكثريت داشته باشند، مقرّرات محلي در حدود اختيارات شوراها بر طبق آن مذاهب خواهد بود، با حفظ حقوق پيروان ساير مذاهب».[27]

بر اساس اصل سيزدهم قانون اساسي: «ايرانيان زرتشتي، كليمي و مسيحي تنها اقليتهاي ديني شناخته مي‌شوند كه در حدود قانون در انجام مراسم ديني خود آزادند و در احوال شخصيه و تعليمات ديني بر طبق آئين خود عمل ميكنند».[28]

همچنين جمهوري اسلامي ايران بر اساس اصل 14 قانون اساسي موظّف است با الهام از تعاليم اخلاقي اسلامي با ساير اديان رفتار نمايد.

بر اساس اصل چهاردهم قانون اساسي: به حكم آيه شريفه «لا ينهيكم الله عن الذين لم يقاتلوكو في الدين و لم يخرجوكم من دياركم ان تبروهم تقسطوا اليهم ان الله يحب المقسطين» دولت جمهوري اسلامي ايران و مسلمانان موظّف‌اند نسبت به افراد غيرمسلمان با اخلاق حَسنه و قسط و عدل اسلامي عمل نمايند و حقوق انساني آنان را رعايت كنند، اين اصل در حقّ كساني اعتبار دارد كه بر ضد اسلام و جمهوري اسلامي ايران توطئه و اقدام نكنند».[29]

قانون اساسي حاوي اين امتياز است كه ارزشها[30]، آرمانها[31] و نهادهاي اساسي ملّت را به صورت مشخص، يكجا و مرتبط معرفي ميكند، چنانچه اين مجموعه طيّ فرآيندي از عقل و اراده جمعي بهره گرفته باشد بخش مهمّي از مبناي همبستگي و وحدت امّت اسلامي شكل گرفته است. قانون اساسي جمهوري اسلامي

ايران تا حدّ قابل قبولي با الگوي مطلوب انطباق يافته است. براي تعميق اين كاركرد بايد محتواي اصول قانون اساسي روشن شود تا درك و فهم مشترك به صورت دقيقتر و واقعيتر نهادينه شود. در چنين حالتي، پايه اصلي اتحاد در جامعه مردمسالار شكل ميگيرد.

در كنار اين مبناي اساسي، حوزههاي متعدّدي در قانون اساسي مطرح شده كه توجّه، پردازش و پرورش آنها ميتواند ارزش همبستگي و اتحاد را حفظ و تقويت نمايد.[32]

برابري و عدم تبعيض[33] يكي از ويژگيهاي حكومت قانون[34] است، در حكومت قانون، اعضاي جامعه در برابر قانون از حقوق و تكاليف يكسان برخوردار ميباشند و تبعيض ناروا[35] وجود ندارد.[36]

از منظر ديگر معيار اعطاي حقوق يا مطالبه تكاليف، عنوان شهروندي است، هر عضو كه بتواند رابطه شهروندي را با دولت ايجاد كند از كليه حقوق (در برابر تكاليف) برخوردار ميشود.

تقسيم عادلانه و برابر حقوق و تكاليف و توجّه به معيارهاي مشتركي، چون حقوق شهروندي به شكلگيري هويت ملّي، انسجام و اتحاد كمك ميكند، در حالي كه هر چه نابرابري يا احساس آن رواج يابد، پيوندهاي اتحادساز و انسجامبخش بين اعضاء و گروههاي اجتماع كمرنگ و سُست ميشود.[37] در قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران (صرفنظر از برخي مباحث اختلافي) اصل شهروندي و تساوي حقوق مورد پذيرش قرار گرفته است.[38] حكومت قانون در قانون اساسي مورد تأكيد است و عاليترين مقام كشور نيز مصونيت ندارد.[39]

علاوه بر همة اينها، در مقدمه قانون اساسي، به مشاركت فعّال و گسترده تمامي عناصر اجتماع در روند تحوّل جامعه اشاره شده و قانون اساسي زمينه چنين مشاركتي را در مراحل مختلف تصميمگيريهاي سياسي و سرنوشتساز براي افراد اجتماع فراهم ساخته است. در اصل سوم قانون اساسي، مشاركت عامه مردم در تعيين سرنوشت سياسي، اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي خويش (بند 8) و همچنين توسعه و تحكيم برادري اسلامي و تعاون عمومي بين همه مردم (بند 15)، مورد تأكيد قرار گرفته كه از مصاديق و الزامات وحدت امّت اسلامي به شمار ميآيند. در اصل نهم نيز، وحدت و تماميت ارضي كشور، همراه و همتراز با آزادي و استقلال، اجزاب تفكيكناپذير جمهوري اسلامي ايران هستند. در اصل بيست و ششم قانون اساسي، «عدم نقض وحدت ملّي»، شرط آزادي احزاب، جمعيّتها و... است.[40] با توجّه به اصول مطرح شده در قانون اساسي ميتوان ادعا كرد، درقانون اساسي جمهوري اسلامي، آزادي، استقلال، وحدت و تماميت ارضي كشور مورد تأكيد قرار گرفته و مردم از هر قوم و قبيله و رنگ و نژاد و زباني از آزاديهاي فردي و اجتماعي و

تقسيم عادلانه حقوق و تكاليف برخوردارند، و در تعيين سرنوشت سياسي، اجتماعي و فرهنگي خويش به منظور توسعه و تحكيم برادري اسلامي و تعاون عمومي بين خود مشاركت دارند. همچنين احزاب و جمعيّتها نيز به شرط عدم نقض وحدت ملّت از آزادي كامل برخوردارند.

در همين راستا حضرت امام خميني(ره) بيان مي‌دارند:

«من تأكيد ميكنم كه اسلام تنها پناهگاه همه ما است و در زير پرچم پرافتخار آن همه گروه‌ها به حقوق خود ميرسند. عوامل اجانب كه منافع خود را در خطر ميبينند، براي تحريك برادران اهل سنّت، قضيه شيعه و سنّي را طرح كرده و ميخواهند با شيطنت، اختلاف ايجاد كنند. در جمهوري اسلامي، شيعه و سنّي در كنار هم و با هم برادرند و در حقوق مساوي هستند و هر كس خلاف آن را تبليغ كند، دشمن ايران و اسلام است و برادران اهل سنّت بايد اين تبليغات ضد اسلامي را در نطفه خفه كنند.[41] يك دسته از مسلمانان، شيعه هستند، يك دسته حنفي و دستهاي حنبلي و دسته ديگر اخباري. اصلاً اين دستهبنديها از اول درست نبوده، در يك جامعهاي كه همه ميخواهند به اسلام خدمت كنند و براي اسلام باشند، اين مسائل نبايد طرح شود. ما همه برادر هستيم و با هم هستيم. منتهي علماي شما يك دسته فتوا به يك چيز دادند و شما تقليد از علماي خود كرديد و شديد (به عنوان مثال) حنفي؛ يك دسته فتواي شافعي را عمل كردند و يك دسته ديگر فتواي حضرت صادق(ع) را عمل كردند. اين‌ها شدند شيعه. اين‌ها دليل اختلاف نيست. ما نبايد با هم اختلاف و تضاد داشته باشيم. ما همه با هم برادريم. برادران شيعه و سنّي بايد از هر اختلافي احتراز كنند. امروز اختلاف بين ما تنها به نفع آنهاب است كه نه به مذهب شيعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفي و يا ساير فِرَق. آنها ميخواهند نه اين باشد و نه آن. راه را اين طور ميدانند كه بين شما و ما اختلاف بيندازند».[42]

حضرت امير(ع)، ابوالائمه، اول شخص اسلام بعد از رسول الله(ص) در طول مدّت عُمرشان زجرها ديدند و در آن مدّتي كه اختلافات بين دستهجات بود، ايشان آرامش را حفظ كردند، براي اينكه اسلام، محتاج به آرامش بود.

حضرت رضا (ع) در آن ابتلائاتي كه داشت و در آن مصيبتهاي معنوي كه برايشان وارد ميشد، بدون اينكه اختلاف ايجاد كند، با آرامش، راه خود را پيش ميبرد و مقيّد بود كه آرامش ملّت را حفظ كند. ما همه بايد اختلافات خود را عقلاً حل كنيم و نگذاريم منجر به سر و صدا و اختلافاندازي شود. فرضاً اگر كساني بخواهند تحريك عواطف كنند، تكليف ما اين است كه در مقابل آنها آرامش را حفظ نموده، سكوت كنيم.[43]

در پايان به كلام مقام معظم رهبري اشاره مي‌شود كه درباره مفهوم وحدت ميفرمايند: «منظور ما از وحدت چيست؟ يعني همه مردم يكسان فكر كنند؟ نه. يعني همه مردم يك نوع سليقه سياسي داشته باشند؟ نه. يعني همه مردم يك چيز را، يك شخص را، يك شخصيت را، يك جناح را، يك گروه را بخواهند؟ نه؛ معناي وحدت اين‌ها نيست. وحدت مردم، يعني نبودن تفرقه و نفاق و درگيري و كِشمكش. حتّي در جماعتي كه از لحاظ اعتقاد ديني هم مثل هم نيستند، ميتوانند اتحاد داشته باشند، ميتوانند كنار هم باشند، ميتوانند دعوا نكنند.[44] وحدت؛ يعني بر گِرد محورهاي اصولي گِرد آمدن».[45]

جمعبندي:

با توجه به آنچه بيان شد وحدت امت اسلامي از اهمّيت فراواني برخوردار مي‌باشد و در اين زمينه آيات وروايت‌هاي فراواني اين مهم را مورد توجه قرار داده و براي تحقق آن راهنمايي‌ها و دستورالعمل‌هاي فراواني صادر كرده است كه قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران نيز آن اوامر ودستور العملها را مورد توجه قرار داده و بر همان اساس تنظيم شده و از اين رهگذر براي تأمين و تضمين وحدت در بين امت اسلامي گام‌هاي استواري برداشته است كه به برخي از آن اصول اشاره شد.

منابع و مآخذ

1- قرآن كريم

2- إربلب، علب بن عبسب (1381 هـ .ق). كشف الغمه فب معرفۀ الائمّه. تبربز: مكتبۀ بنب هاشم.

3- بوشهري، جعفر(1376). مسايل حقوق اساسي. تهران: نشر دادگستر.

4- پابنده، ابوالقاسم؛ نهجالفصاحه.

5- حبيبي، سلمان(1387). كتابشناسي وحدت امّت اسلامي و انسجام اسلامي. مجمع جهاني تقريب مذاهب

اسلامي.

6- حرّ عاملب، محمد بن الحسن. وسائل الشيعه. لبنان: دارالحباء التراث العربب، ببتا.

7- حرّانب، ابن شعبه(1384). تحف العقول. ترجمه احمد جنتب. تهران: چاپ و نشر ببنالملل.

8- سبزيان، علي اكبر (1386). منشور وحدت امّت اسلامي و انسجام اسلامي. قم: نشر خادمالرضا.

9- صبحي صالح(1412 هـ .ق). نهجالبلاغه. چاپ پنجم. قم: مؤسسه دارالهجره.

10- فاضل، خليل ا. وحدت ملّب. فصلنامه مطالعات دفاعي استراتژيك، شماره 5 و 6. تابستان و پاببز 1379.

11- كلبنب، محمد بن بعقوب (1384 هـ .ق). اصول الكافي. ببروت: دارالكتب الاسلامبه.

12- كاستلز، استفان و ديويدسون، آليستر(1382). مهاجرت و شهروندي. ترجمه فرامرز تقيلو. تهران: پژوهشكده مطالعات راهبردي.

13- مجلسب، محمدباقر (1403 هـ .ق). بحارالانوار. چاپ سوم، ببروت: الوفاء.

14- محمد بن نعمان (شبخ مفيد)(1364). امالي. مترجم حسبن استاد ولب. مشهد: بنباد پژوهشهاب آستان قدس رضوب.

15- الموسوي الخميني، روح ا (1361). صحيفه نور، مجموعه بيانات حضرت امام خمينيره). تهران: مركز اسناد انقلاب اسلامب.

16- نجفي اسفاد، مرتضي و محسني، فريد(1379). حقوق اساسي جمهوري اسلامي ايران. چاپ اول. تهران: انتشارات بنالمللب الهدب.

17- هندب، مبرمتقب (1405هـ .ق). كنز العمال. ببروت: مؤسسه الرساله.

18- حديث ولايت، مجموعه سخنان و بيانات رهبر معظم انقلاب. تهران: سازمان تبلبغات اسلامب (1370).

19- قانون اساسي. چاپ ببست و چهارم. تهران: انتشارات آگاه (1382).

20- مجموعه مقالات همايش ملّب «وحدت امّت اسلامي ؛ راهبردها و سياستها»، مجمع تشخيص مصلحت نظام، پژوهشكده تحقيقات استراتژيك (1386).

---

[1]. مطالعات دفاعي استراتژيك، شماره 5 و 6 ، ص124-125

[2]. امالي مفيد، ص14

[3]. نهجالبلاغه، خطبه 146

[4]. الكافي، ج1، ص6

[5]. كشف الغمه، ج2، ص109

[6]. نهجالفصاحه، كلمه قصار 3

[7]. كنز العمال، ح 929

[8]. كافي، ج1، ص 405

[9]. كنز العمال، ح 894

[10]. نهجالبلاغه، حكمت 215

[11]. همان ، خطبه 127

.[12] همان، خطبه 3

[13]. همان ، خطبه 34

[14]. بحارالانوار، ج 75، ص 1

[15]. نهجالفصاحه، ج 2، ص 311

[16]. بحارالانوار، ح71، ص13

[17]. وسائل الشيعه، ج 11، ص440

[18]. تحف العقول، ص 4

[19]. الكافي، ج2، ص345

[20]. وسايل الشيعه، ج11، ص 9

[21]. همان، ج 71، ص234

[22]. سبزيان (1386)، ص46

[23]. نجفي اسفاد و محسني، ص131

[24]. همان، ص459

[25]. همان، ص463

[26]. همان، ص465

[27]. نجفي اسفاد و محسني، ص465

[28]. همان

[29]. همان

[30] .Values

[31] .Ideals / Goals

[32]. مجموعه مقالات همايش ملّي اتحاد ملّيه؛ راهبردها و سياستها (1386)، ص171-172

[33]. Non-Discrimination

[34]. Rule of Law

[35] .Unlawful

[36]. بوشهري (1376)، ص29-33 و نيز: Law of Rule ,.Cit.Op ,Walker

[37]. كاستلز و ديويدسون، ترجمه تقيلو (1382)، ص266

[38]. اصل نوزدهم قانون اساسي: «مردم ايران از هر قوم و قبيله كه باشند از حقوق مساوي برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اينها سبب امتياز نخواهد بود».

[39]. اصل يكصد و هفتم قانون اساسي: «... رهبر در برابر قوانين با ساير افراد كشور مساوي است».

[40]. مجموعه مقالات همايش ملّي اتحاد ملّي؛ راهبردها و سياستها (1386)، ص195-196

[41]. سخنراني 29/5/1358

[42]. صحيفه نور، ج13، ص54

[43]. سخنراني، 4/10/1359

[44]. خطبههاي نماز جمعه تهران، 1/2/1379

[45]. 24/1/77